

دکتر یونس نوربخش، رئیس پردیس البرز دانشگاه تهران است که پیش از این سه سالست ریاست دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران را بر عهده داشت. در گفتگو با او سعی شد، نظرش را پیرامون مسائل آموزش عالی فراتر از یک مسئول در دانشگاه تهران ودر قالب یک جامعه‌شناس جویا شویم. دکتر نوربخش انتقادات وارد بر دانشگاه‌ها می‌پذیرد، اما معتقد است در کنار آسیب‌شناسی آموزش عالی باید به ظرفیت‌های ایجاد شده هم توجه داشت. به باور او، ولی دلیل بی کیفیت بسیاری از دانشگاه‌ها را امروز، نه فقط در آموزش عالی بلکه در بطن جامعه و ارتباط دانشگاه‌ها با دستگاه‌های دیگر باید جستجو کرد.

چاره اندیشی برای کاستن از وابستگی دانشگاه‌های دولتی به بودجه‌های دولت، منجر به شکل‌گیری دانشگاه‌های پولی مانند پردیس‌ها شد. در پردیس‌های‌های دانشگاهی هم، چون بودجه مورد نیاز اعم از هزینه‌های جاری و عمرانی تا حق‌التدریس استادان از محل شهریه‌ها تأمین می‌شود، دانشگاه به دانشجوی مدیون و وابسته می‌شود به همین لحاظ این مسأله در خصوص پردیس‌ها مطرح است که آسان‌گیری درانتخابات نسبت به دانشجو به منظور قرار گرفتن در مسیر خروجی بیشتر دانشجو برای دستیابی به ورودی بیشتر به افت کیفیت آنها منجر می‌شود، کما اینکه دانشجویان هم از آنجا که پول می‌دهند حق خود را دارند که بدون سخت‌گیری‌های لازم نمره دریافت کنند. پاسخ شما به این انتقاد چیست؟

مهندستهاست سیاست‌وزارت علوم بر این مین‌قرار گرفته که دانشگاه‌ها بتوانند هزینه‌های خود را از طریق آموّش و پژوهش تأمین کنند. لذا سیاست تجاری‌سازی علم و پیوند دانشگاه‌ها با صنعت در همین راستاست که دانشگاه‌ها بتوانند تولیدات خود را به فروش برسانند در عین حال که بخش‌های دیگر نیز از تولید علم دانشگاه‌ها، آرزای افزوده کسب‌کنند. هدف، مخاطب محور شدن تربیت نیرو و تولیدات علمی دانشگاه‌هاست. از این‌رو همه دانشگاه‌ها برنامه‌هایی را در راستای درآمدزایی تدوین کرده‌اند. در حوزه آموزش هم دانشگاه تهران با پذیرش دانشجو در نوبت دوم، دانشجویانی را پذیرش کرد که بخش قابل توجهی از هزینه‌هایشان را خود تأمین می‌کنند، اما همچنان از یازانه‌های دولتی هم برخوردارند. ولی بعدها، پردیس‌ها شکل گرفتند که سه پردیس هم در دانشگاه تهران تأسیس شد که هیچ وابستگی به بودجه دولتی ندارند. البته در کنار دریافت هزینه‌ها از دانشجویان، مسأله افت کیفیت دانشگاه و دانشجو هم مطرح شد که این مطلب تا حدی درست است. مسلماً کسانی که وارد پردیس‌ها می‌شوند، دانشجویان دوره روزانه و نوبت دوم نیستند و به نوعی از استعدادهای درجه دو محسوب می‌شوند.

با توجه به نمونه‌هایی که شما ذکر کردید، ممکن است این تصور در مورد کیفیت پردیس‌ها در مجموع تا حدودی درست باشد، اما به چند نکته باید توجه کرد. اول آنکه در دانشگاه تهران رابطه استاد و دانشجو تحت تأثیر مسائل مالی قرار ندارد. دانشجو با ما همان‌آنگاه کلاس دارد که دانشجویان روزانه کلاس دارند و در بسیاری مواقع اساتید از روزانه، شانه یا پردیس بودن دانشجویان اطلاعی ندارند. حداقل در پردیس البرز نیز تعداد دانشجویان کم باشد یا سایر دانشجویان روزانه و شبانه در یک کلاس حضور دارند. اگر تعداد هم زیاد باشد، کلاس‌ها مجزا از دانشجویان دیگر تشکیل می‌شود، اما همگی تحت نظام آموزشی مشخص دانشگاه تهران دوره می‌بینند. بلکه ما در پردیس البرز سخت‌گیری‌های خاصی هم داریم. بنابراین این تصور که دانشجو چون پول می‌دهد، پس برای گرفتن مدرک در دانشگاه حضور دارد، حرف درستی نیست.

خیلی از دانشجویان پردیس‌ها مشغل دارند، درآمد دارند و مدرک شان تفاوت زیادی در روند زندگی‌شان ندارد. ولی قصد دارند در شغل خود متخصص شوند. گاهی انگیزه این دانشجویان بیشتر از دانشجویانی است که در دوره‌های روزانه تا مقطع دکتری تحصیل می‌کنند. اما نمی‌دانند که شغل مناسبی به دست خواهند آورد یا خیر. ضمن آنکه بسیاری از دانشجویان روزانه هم وارد دانشگاه می‌شوند که مدرک بگیرند و شغل‌های خوب به دست آورند.

آیا این دانشجویانی که شما معتقدید بسیاری از آنان چون شغل مناسبی دارند، شاید انگیزه بالاتری برای یادگیری دانش هم دارند، وقت کافی برای حضور و یادگیری در دانشگاه‌ها را دارند؟

نظام آموزشی دانشگاه تهران به شدت در این رابطه سخت‌گیری دارد. هم‌زمان سخت‌گیری‌های دوره روزانه مثل شرکت در تمامی کلاس‌ها، دعای به موقع از پایان‌نامه و... در پردیس‌ها هم هست. در نظر داشته باشید الان حتی در پردیس‌ها روزانه هم به دلیل فشارهای اقتصادی دانشجویان مجبورند حداقل پاره وقت کار می‌کنند. به نظر هم شاید دانشجویان شاغل با جود این‌گونه‌های بالا و مدغغه‌های کمتر عالی، توان یادگیری بالاتری هم داشته باشند. ضمن آنکه ۳۰ تا ۳۵ درصد دانشجویان حداقل در پردیس البرز، مدرک قبلی‌شان را از دانشگاه‌های سراسری خوب دریافت کرده‌اند. در بسیاری موارد وابستگی به فضای دانشگاه تهران یا ترجیح دادن تحصیل در تهران نسبت به دانشگاه‌های سراسری شهرستان‌ها، باعث حضور آنان در پردیس دانشگاه تهران می‌شود. امروز در دنیا هم بسیاری از دانشگاه‌های معتبر پولی‌اند و جزء دانشگاه‌های برتر جهان هستند. پس ما نباید تصور کنیم که فقط دانشگاه برتر است که رایگان باشد.

شما درست می‌فرمایید. بسیاری از دانشگاه‌های برتر دنیا، خدمات

همه دلایل افت کیفیت آموزش عالی را فقط در دانشگاه‌ها نباید جستجو کرد

***بسیاری از مسائلی که بخش‌های دیگر جامعه قادر به حل آن نیست، دانشگاه تحمل می‌کندو بار جامعه را به‌دوش می‌کشد**

***شکل‌گرایی(فرمالیسم) رایج در جامعه، ریشه بسیاری از آسیب‌های وارده به دانشگاه‌هاست**

در همه جای دنیا، دانشگاه‌ها درجه‌بندی می‌شوند و

دانشگاه فقط جای نخنگبان نیست

***بسیاری از دانشگاه‌های معتبر دنیا پولی‌اندو نباید تصور کنیم که فقط دانشگاه‌های رایگان، برترند**

شان را با گرفتن پول ارانه می‌کنند، اما نگرانی جامعه این است که آیا همان نظم و سخت‌گیری که در دانشگاه‌های پولی معتبر جهان وجود دارد و شما از آن حرف زدید در دانشگاه‌های پولی ما هم وجود دارد؟

دانشگاه‌های پولی می‌خواهند بار مالی هم به دولت تحمیل نکنند. ولی اگر ناسامانی‌هایی مانند فروش مدرک، فروش پایان‌نامه و مقاله شده که متأسفانه در سطح بین‌المللی هم مطرح شده است.

بله، اما این نگرانی‌ها در مورد دانشگاه‌های سراسری روزانه، شبانه، آزاد و پیام‌نور هم وجود دارد. مسلماً دانشگاه‌هایی که شهریه می‌گیرند، نباید هدف اصلی‌شان را روص درآمدزایی متکثر کنند. بلکه کیفیت، آموزش و تربیت نیروی متخصص هدف اصلی باشند. ضمن آنکه دانشگاه‌های پولی می‌خواهند بار مالی هم به دولت تحمیل نکنند. ولی اگر صرفاً درآمدزایی محملی برای فروش مدرک باشد، خیلی خطرناک است، اما حداقل دانشگاه تهران حساسیت زیادی نسبت به این موضوع دارد و برخی از پردیس‌های خود اراده‌ها مدتی به حالت نیمه تعطیل درآورد تا در سیاست‌های خود بازنگری شده باشند. نگرانی شما درست است، اما بسیاری از تحلفه‌هایی که شما از آن نام بردید، عمدتاً در دانشگاه‌های روزانه و توسط اساتید آنها رخ داد. من معتقدم که همان پولی را که قرار است علاقه‌مندان دانش برای یادگیری آن در دانشگاه‌های درجه چندم دیگر کشورها که اصلاً سطح علمی قابل قبولی هم ندارند، خرج کنند، بهتر است همان پولی را در کشور هزینه کنند و همین جا درس بخوانند. کما اینکه هیچ قانونی ایسن حق را به نام دهنده کسب تحصیل علاقه‌مندانی شوم که قصد دارند هزینه کنند و درس بخوانند. فقط شرط اصلی رعایت استانداردهای لازم است.

بنا بر نظر شما دانشگاه پردیس هیچ‌گونه آسان‌گیری نسبت به دانشجویان خود ندارد، اما معمولاً دانشجویان این توقع را دارند که در قبال پولی که پرداخت می‌کنند، راحت‌تر فارغ‌التحصیل شوند.

اتفاق برعکس است، دانشجویان چون پول می‌دهند انتظار دارند خدمات آموزشی‌ما بهترین کیفیت به آنها ارائه شود. من دانشجویی را ندیدم‌که با چشم‌پوشی اساتید، انتظار نمره گرفتن داشته باشد. نامه‌هایی از دانشجویان پردیس دارم که در آنها، دانشجویان با رفتن یک استاد ضعیف به کلاس درس، به من اعتراض شده‌اند که شما مشکلات مالی دوره‌های روزانه را ندارید، پس چرا از بهترین استاد دعوت به همکاری نکرده‌اید؟ البته شاید مثل هر دانشگاه روزانه دیگری دانشجویی به اسناد بگیرند که شغل است و مشکلاتی هم دارد، اما عموماً این دانشجویی تقاضای بهترین شیافت را دارند. دانشجویی که دانشگاه تهران را انتخاب می‌کند، مسلماً می‌داند که نباید انتظارات نابهجایی داشته باشد. این دانشجوی به جای درس

خوانند در برخی از دانشگاه‌های بدون کیفیت خارج با هزینه‌های زیاد، دانشگاه تهران را برای تحصیل انتخاب کرده است. دانشجویان پردیس‌ما جوانان علاقه‌مندی هستند که ممکن است پایه علمی مشابه دانشجویان روزانه نداشته باشند، اما وظیفه ما خدمات‌دهی به همه آنان است. مدرک‌گرایی موضوعی است که سواهاست فراتر از نظام آموزش عالی، گریبان جامعه را گرفته است. پیرو این موضوع و گسترش کنج آموزش عالی، با پدیده صندلی‌های خالصی در آموزش عالی مواجه شده‌ام. بفرمایید سهم شما از صندلی‌های خالی آموزش عالی چقدر است؟ ضمن آنکه بحث هجوم جامعه ایرانی به مدرک را چگونه تحلیل می‌کنید؟

من معتقدم روند نزولی ولع کاذب مدرک گرفتن در جامعه ما آغاز

دکتر یونس نوربخش رئیس پردیس البرز دانشگاه تهران: ولع مدرک گرفتن گاهش یافته است



شده است. رشد کمی دانشگاه‌ها باعث شکل گرفتن پدیده صندلی‌های خالی شد که البته ما در دانشگاه تهران به‌طور جدی با این موضوع مواجه نشده‌ام چون همچنان دانشگاه تهران به‌صورت رقابتی مشتری‌های خود را دارد.

براساس چه شواهدی معتقدید که ولع مدرک گرفتن رو به افول است؟

اول آنکه وقتی جوانی مشاذه می‌کند که با پرداخت هزینه‌های سنگین تحصیلی در بازار کار جایگاه چندانی ندارد، با خودش محاسبه می‌کند که بهتر است به جای تحصیل زودتر وارد بازار کار شود. دوم آنکه جایگاه علم در جامعه در این رابطه تأثیر گذار است. وقتی بسیاری از تحصیلکردگان براساس شاخص‌های علم‌آموزی در بازار کار پذیرفته نمی‌شوند، این موضوع بر گرایش به تحصیل تأثیر دارد. این سیر نزولی هم تحلیل مثبت و هم تحلیل منفی دارد. تحلیل مثبت آن است که جامعه متوجه شده راه، فقط دانشگاه نیست و آن پرسنژ کاذب که جا زده مدرک برای افراد داشت، الان کمتر شده است.

با این تحلیل چگونه شاهد چنین اقبال گسترده‌ای در بحث تحصیلات تکمیلی هستیم؟

الآن وزارت علوم سیاست خوبی را از لحاظ محدودکردن و توسعه ما برنامه شروع کرده است. به همین دلیل هم سیاست آمایش رشته‌ها را شروع کرده است. ما الآن در معنای سابق گسترش کمی دانشگاهی نداریم. ضمن آنکه موجی که سال‌های قبل از کارشناسی شروع شده و سپس به حوزه‌های تحصیلات تکمیلی سرایت کرده بود، فکر می‌کنم از سال گذشته در سطوح تحصیلات تکمیلی هم رو به کاهش است. یعنی در سال‌های آینده استقبال سال‌های گذشته را نخواهیم داشت. چون اصلاً ورودی‌های دانشگاه از مقطع کارشناسی کاهش یافته است.

با این‌همه می‌توان گفت دلیل این کاهش اقبال، اصلاح تفکر مدرک همه چیز است. نیست بلکه به نظر می‌رسد شاید یکی از اصلی‌ترین دلایل، کاهش جمعیت بالقوه در مقطع سنی ورود به دانشگاه است.

بله یکی از دلایل، موضوع کاهش جمعیت متقاضی است. دلیل دیگر بازار کاری است که پذیرای فارغ‌التحصیلان نیست و البته کاهش برسدی مدرک دانستن هم مؤثر است. در مورد موضوع آخر اینکه خوب باید است، من فعلاً دآوری نمی‌کنم.

چرا معتقدید مدرک گرفتن پرستیز سابق را ندارد؟

پروا اینکه وقتی جامعه بر این فوئلیت‌سناس و دکتر شد، دیگر مدرک دانشگاهی کالای نابی نیست که شما به دنبالش بودید. الان شما وقتی کسی را در خیابان دکتر صدا کنید، ۵ نفر می‌گردند. وقتی این عنوان محدود بود، پرستیژ اجتماعی داشته البته این نکته را هم اضافه کنم که سطح آگاهی جامعه افزایش یافته و درس خواندن حتی تا کارشناسی هم ارتع ضرورت یادگیری یک دانش عمومی شده است. یعنی به دلیل رشد دانش، افراد با ادامه تحصیل در سطح کارشناسی ارشد می‌توانند اطلاعاتی را از دانش حوزه مورد نظرشان کسب کنند، چون سطح اطلاعات گسترش یافته است. دیگر مانند سابق نیست که فردی با مدرک دیپلم بتواند مدیر باشد. در کشورهای پیشرفته افراد در حوزه تخصصی‌شان اگر مدرک نمی‌گیرند، دوره‌های مختلف را اندم می‌گذرانند چون کارها تخصصی اداره می‌شود. بنابراین من گرایش به مدرک را جایی که ولع کاذب است منفی می‌دانم، اما معتقدم که به سمت فعالیت‌در این زمینه حرکت می‌کنیم. یعنی در آینده بیشتر کسانی که خواهان دانش، تخصص و مهارت هستند، وارد دانشگاه و بحث تحصیلات تکمیلی می‌شوند، اما بازار کار هم به شدت در این زمینه تأثیر دارد. جوان وقتی بیکار است، حداقل برای داشتن یک احساس هویت باید به سمت چیزی برود و چه مکانی بهتر از دانشگاه. اینجا به دلیل بسیاری از فاکتورهای افت کیفیت دانشگاه‌ها را باید به دلیل خواست این هویت، گاهی به دنبال مدرک دانشگاهی است.

پس به نظر شما دانشگاه به نوعی تاوان نامناسب بودن شرایط اقتصادی و بازار کار را می‌پردازد؟

بله، به همین دلیل من معتقدم همه مسأله افت کیفیت را نباید در دانشگاه جستجو کرد. دانشگاه اکنون بار جامعه را به دوش می‌کشد. بسیاری از مسائلی که بخش‌های دیگر جامعه قادر به حل آن نیست، دانشگاه تحمل می‌کند. به همین دلیل بسیاری از فاکتورهای افت کیفیت دانشگاه‌ها را باید در بیرون از آن جستجو کرد.

از بازار کار به عنوان یکی از یا فاکتورها نام بردید. دیگر فاکتورهای چیست؟

به طور مثال وقتی در قانون استخدام و ارتقاء افراد شاغل؛ حقوق، مزایا و پست‌ها تحت مدرک دانشگاهی تعریف شود، این مسأله به افت کیفیت دانشگاه منجر می‌شود. در کشورهای پیشرفته شما اگر دکتر می‌باشید، تخصص و بحث اهمیت دارد. مسأله دیگر، فرمالیسم و صورت‌گرایی رایج در جامعه است که بسیاری از آسیب‌های وارد به دانشگاه از اینجا نشأت می‌گیرد. به همین دلیل برخی از رشته‌های کاربردی خیلی بی‌فایده نادرند و برخی از رشته‌ها، به این طرف کاذب پر از دانشجویست. مثلاً میان‌رشته‌ای‌ها در دنیا اهمیت زیادی دارد، اما در کشور ما این‌طور نیست. یکی از برنامه‌های ما هم در پردیس البرز رونق میان رشته‌ای‌هاست. میان‌رشته‌ای‌ها، رشته‌هایی هستند که توجه آنها به کاربرد است. در اینجا با سیستم به آنها توجه نمی‌کند یا اگر هم تدریس می‌شود بازار کار، فارغ‌التحصیلان آن را نمی‌شناسد چون فقط رشته‌های مدرک می‌شناسند یا اصلاً این رشته‌ها پرستیژ اجتماعی ندارند. پرستیژ اجتماعی ندارد چون از همان کودکی به پیچها در مدرسه می‌گویم درس بخوان و مهندس شوی. کسی نمی‌گوید جامعه‌شناس یا روان‌شناس یا

آموزشی

متخصص علوم اجتماعی شوی. همین ذهنیت به دانشگاه‌ها هم سرریز می‌شود و دانشگاه‌ها تاوان ارزش‌گذاری‌های غلط جامعه را می‌دهند. به همین دلیل من ریشه بسیاری از مشکلات دانشگاه‌ها را سیاست‌گذاری‌های غلط جامعه می‌دانم. حتماً آموزش عالی هم اشتباهاتی داشته و دارد ولی باید ببینیم این اشتباهات از کجا سرریز می‌شود. مثلاً در مورد مسائل فرهنگی گفته می‌شود، دانشگاه‌ها مشکل دارند، البته ممکن است دانشگاه‌ها کنکاری‌هایی هم داشته باشند، اما آیا این جوان همین که پا به دانشگاه گذاشت این مشکلات را پیدا کرد یا اینکه این مشکلات را با خود به دانشگاه آورده است؟ خود دیگریان چه می‌شود؟ حالا چون دانشگاه جایی است که جوانان در اوج سنی که می‌خواهند خود را بروز و ظهور دهد، وارد آن می‌شود، پس علت نابسامانی‌های او هم فقط دانشگاه‌ها هستند؟ سهم

داده است. بحث نوآوری و خلاقیت هم که اساس دانشگاه‌های نسل سوم و کارآفرین است، در دستور کار قرار دارد. این مسأله باعث یبوابی نسل جدید دانشگاه‌ها می‌شود. یعنی بیش از آنکه دنباله‌ور رشته‌های معمول باشند، در راستای نوآوری و کارآفرینی برنامه دارند. ما الآن رشته‌هایی داریم که ۵۰ سال است با متن‌های چندین هده پیش تدریس می‌شوند، اما دانشگاه‌های نوآور این رویه را بر نمی‌تابند. البته موانع اداری زیادی هم مانع شکل‌گیری هرچه سریع‌تر یبوابی مورد نظر می‌شوند. ما الآن یک تخصص میان‌رشته‌ای بخواهیم تأسیس کنیم باید پرسه طولانی اداری را طی کنیم. در حالی که اگر وزارت آموزش عالی نقش‌های تو این دانشگاه‌ها را بپذیرد، می‌تواند این روند را تسهیل کند.

آموزش عالی باید توجه داشته باشد، تقاضاها و جامعه دائم تغییر

گسترش بی‌رویه آموزش عالی نتیجه توسعه کاریکاتوری جامعه‌است



می‌کند، اما به دلیل بروکراسی پیچیده ای که از آن صحبت شد، دانشگاه نمی‌تواند تغییر کند و هر روز شکاف بین خواست‌های جامعه و دانشگاه بیشتر می‌شود. دانشگاه‌های پردیس چون جوان و نوپا هستند می‌توانند مسیر جدیدی را برای خودشان تعریف کنند ولی با گذشت زمان ساختار سسختی پیدا می‌کنند که تغییر آن مشکل است. توجه به ظرفیت‌های پردیس‌ها موضوعی است که باید مورد توجه آموزش عالی باشد. یکی از این ظرفیت‌ها بحث توریست علمی است. مسأله‌ای که در دانشگاه‌های بسیاری از کشورهای دنیا برای آن برنامه ریزی‌های دقیق انجام شده و دانشگاه‌ها یکی از منابع مهم جذب توریست‌های علمی است.

یکی از اهداف اصلی شکل‌گیری پردیس‌ها هم پذیرش دانشجویان خارجی است. چند درصد از دانشجویان شما را دانشجویان خارجی شکل می‌دهند و از چه کشورهایی پذیرش دانشجو دارید؟

فعلاً این نقش به پردیس البرز دانشگاه تهران داده نشده است. ولی در هفته‌های اخیر بحث‌هایی جدی در این ارتباط داشته‌ام که پردیس چگونه می‌تواند نقش بین‌المللی خود را ایفا کند. ما اکنون به دنبال جذب دانشجوی خارجی و برنامه‌های مشترک در قالب دوره‌های مشترک با دانشگاه‌های دیگر هستیم، اما عوامل بیرونی مثل مسائل سیاسی و تصمیم‌گیری‌هایی که اختیار آن در حوزه دانشگاه نیست، در این ارتباط موثر است.

به طور مشخص مسئولان باید برای حوزه علمی تسهیلات قائل باشند چون دیپلماسی‌های علمی یکی از رایج‌ترین دیپلماسی‌هایی است که به بهبود روابط بین کشورها کمک می‌کند. البته روند مناسبی در سال‌های اخیر شکل گرفته است. الان در دانشگاه تهران نزدیک به هزار دانشجوی خارجی داریم. من ۳ سال در آنجا پیش که دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران را تحویل گرفتم، ۱۷ تا ۱۸ نفر دانشجو خارجی داشتیم ولی سال گذشته با ۴۰ دانشجو خارجی این دانشکده را تحویل ریاست بعدی دادم.

استقبال خوبی از کشورهای منطقه برای حضور در دانشگاه‌های مطرح کشور صورت دارد، اما باید توجه داشت که بین‌المللی شدن دانشگاه اقتضائاتی هم دارد. دانشجوی خارجی نیازهای خاص خود را دارد. او با زبان و فرهنگ مختلف وارد کشور ما می‌شود. آیا جامعه ظرفیت پذیرش فرهنگ او را دارد؟ آیا رفتارهای او، مانع مواجه ما با نظام آموزشی ما توانایی برخورد مناسب با او را دارد؟ زیرساخت‌های زیادی برای جذب دانشجوی خارجی لازم است و اصلاً این موضوع در وزارت علوم قابل بررسی است که چرا در زمینه جذب دانشجویان خارجی ما موفقیت‌های کمتری کسب کردیم.

یکی دیگر از موضوعات مهمی که درباره جذب دانشجوی به آن باید اشاره کنم این است که بسیاری از دانشجویان ایرانی که در خارج درس می‌خوانند به دلایلی تمایل دارند به کشور برگردند. این ظرفیت بلایی است که باید از پتانسیل دانشگاه‌هایی مثل پردیس در این زمینه استفاده کرد. از نظر من باید آسیب‌شناسی آموزش عالی باید به ظرفیت‌های ایجاد شده هم توجه داشت. رشد کمی دانشگاه‌ها در برخی شهرستان‌های دور منطق با بحث عدالت اجتماعی بوده است. البته در برخی مناطق توسعه کمی نامناسب می‌باشهیم.

بله خوب است که حتی مناطق دور دست هم به خدمات آموزش عالی دسترسی دارند، اما از شما به عنوان یک جامعه‌شناس سوال می‌کنم که چگونه در کنار این ظرفیت بالای آموزش عالی که منجر به پدیده صندلی‌های خالی هم شده، ما در این مناطق دور با آبر بالای بی‌سوای به ویژه در مورد کودکان و نوجوانان مواجهیم؟

وقتی که جامعه تغییر پیدا می‌کند، سیاست‌گذاری‌های آموزشی و اجتماعی هم باید تغییر کند. ما یک زمان با تعداد زیادی از جوانان به دلیل رشد جمعیت مواجه بودیم که لازم بود دانشگاه‌ها تأسیس شوند. الان جامعه تغییر یافته و جوانی آن به گسترش آموزش و پرورش نیاز داریم. مگر همیشه آموزش و پرورش زیر بنا نبوده، سپس چگونه ابتدا آموزش عالی توسعه پیدا می‌کند؟

برای اینکه ما همواره نگاه یک جانبه به شاخص‌های توسعه داریم، مفهومی چند بعدی است. اگر ما دانشگاهی را در منطقه‌ای تأسیس کردیم که بچه‌های آن حتی توان درس خواندن در مقاطع پایین را ندارند، این دانشگاه در آن منطقه به چه درد می‌خورد؟ دانشگاه‌های پویا به مدارس پویا نیاز دارند، اما متأسفانه بحث جامع دیدن همه مسائل در کنار یکدیگر در مجموع در کشور وجود ندارد، به همین دلیل توسعه یافتگی ما کاریکاتوری است. در نتیجه در جاهایی هم که توسعه یافته به جای نمایش آثار مثبت، توسعه به ضد خودش تبدیل شده است. مثل آموزش عالی که به جای اینکه ظرفیت بالای دانش‌آموزان را پرورش دهد، به دلیل به، به گفته شما در همه مناطق آموزش و پرورش پایه است و با خانواده هم ارتباط تنگناگی دارد. من نمی‌خواهم وارد بحث آسیب‌شناسی آموزش و پرورش شوم، ولی حرفم این است که مشکلات جای دیگری است و ما فقط در معلول و خروجی نهایی که مشکلات جای می‌گیرند این صندلی خالی است، پس این دانشگاه‌ها چرا ایجاد شده، در حالی که درکنار تأسیس دانشگاه‌ها قرار بود اقدامات دیگری انجام شود

که نشده است. قرار بود کار هم ایجاد شود، مدارس هم کنارش باشند، این اتفاقات نیفتاده و امروز معضل صندلی‌های خالی را داریم. بنابراین تغییر نکرده شدن شاخص‌های هرزمان با تغییرات جامعه یکی از مشکلات ماست و در کنار آن نبود دوراندیشی و آینده پژوهی در هنگام تصمیم‌گیری‌های کلان‌ما را آزار می‌دهد. ما به جای اینکه ۲۰ سال آینده را ببینیم فقط برای چند سال آینده برنامه می‌نویسیم. ضمن آنکه اگر برنامه‌های چشم‌انداز هم می‌نویسیم، برنامه‌ها فرست است زمین بماند یا به آن عمل کنیم و دیگری آنکه آیا زمینه‌های اجرا وجود دارد یا خیر؟ به همین دلیل می‌گویم دانشگاه‌ها در بسیاری مواقع پیامدهای نابسامانی‌ها در بخش‌های دیگر را تحمل می‌کنند و بعد خودش متهم به نابسامانی می‌شود. از یک طرف سیل جوانان بیکار که به دانشگاه‌ها هجوم می‌آورند و از طرفی ما از دانشگاه‌ها انتظار داریم درهایش را ببندد. پس بالاخره دانشگاه چه کند؟ درها را ببندد یا باز کند؟

البته از دانشگاه به عنوان یک نهاد علمی و عقلانی که انتظار می‌رود برای بسیاری از مشکلات جامعه نسخه بیچید، این توقع هم هست که پیش و پیش از همه تاکارآمدی‌های خود را اصلاح کند. بله، دانشگاه همین نقد را به خودش دارد و خواست دانشگاه‌ها هم افزایش کیفیت است. من موضوع طبقه بندی دانشگاه‌ها را برای پاسخ به سوال شما مطرح کردم. دانشگاه‌هایی که وظیفه ترویج علم را دارند باید از دانشگاه‌های درجه یک که وظیفه تولید علم را دارند جدا شوند. تولید علم و تربیت متخصصان با توسعه کمی سازگار نیست. رعایت کیفیت هم به معنی این نیست که ما تحولات جدید را نادیده بگیریم. دانشگاه تهران اگر می‌خواهد همسو با این تحولات، پردیس ایجاد کند نباید به آرم این دانشگاه‌ها و تاریخ آن آسیب بزند بلکه باید ارزش افزوده برای دانشگاه تهران ایجاد کند.

من درکنار همه انتقاداتی که نسبت به دانشگاه‌ها و کیفیت آنها دارم، معتقدم دانشگاه‌ها به رسالت‌های خوب خود عمل می‌کنند. باید در کنار نقد دانشگاه‌ها، نهادهای دیگری که کم کاری کردند به دانشگاه‌ها جواب بدهند. چقدر بودجه‌های پژوهشی در اختیار دانشگاه‌ها قرار می‌گیرد؟ آیا این وجود چطور آزمایشگاه و پژوهشگاه بزیم که دانشجو آنجا کار کند تا دانشگاه فقط جای بحث‌های نظری نباشد و عملی هم کار کند. اگر توقع ما از دانشگاه تهران در حد یک دانشگاه درجه یک بین‌المللی است، آیا امکاناتی هم که به این دانشگاه می‌دهیم در همین حد است یا فقط مسئولیت می‌خواهیم؟ هدف اصلی دانشگاه تهران هم فقط کسب پول نیست، اما دانشگاه تهران هم مشکلات مالی خودش را دارد. الان پردیس البرز امکاناتش را در همان دانشکده‌های دانشگاه تهران ایجاد می‌کند که دانشجوی روزانه هم کنار دانشجویان ما می‌تواند از آن استفاده کند. یعنی همه از درآمدهای ما منتفع می‌شوند.

می‌خواهم نکته ای را در پاسخ به انتقاداتی مطرح کنم که نسبت به دانشگاه‌هایی مثل پردیس‌ها مطرح می‌شود. من خود سال‌ها در خارج از کشور درس خواندم. در کنار همه تقدهایی که به سیاست‌های سلطه کشورهای غربی دارم، اما هرگز در دانشگاه‌های آنان احساس نکردم که دانشجوی خارجی هستم و در کنار همه دانشجویان درس خواندم. ولی الان برخی دانشجویان پردیس به ما می‌گویند مگر ما گناه کردیم که پول می‌دهیم و درس می‌خوانیم، در دانشکده‌ها به ما می‌گویند شما دانشجوی پولی هستید. این نگاه باید اصلاح شود. دانشگاه باید محیط گسترده‌ای باشد که همه اقدشار در آن حضور داشته باشند. دانشگاه‌ها باید پل ارتباطی فرهنگ‌ها و ملت‌ها باشد دراین صورت کیفیت شکل می‌گیرد. مسأله کیفیت فقط در پول خلاصه نمی‌شود. گفتگوهای آزاد، ارتباطات بین‌المللی، انعطاف دانشگاه در برابر تغییرات، بازیابی دروس و رشته‌ها همگی زیرمجموعه کیفیت قرار دارند. بله، پردیس‌ها هم مشکلاتی دارند که باید پاسخگو باشند، اما نه پردیس‌ها مسئول بی‌کیفیتی دانشگاه‌ها هستند و نه فقط خود دانشگاه‌ها مسئول بی‌کیفیتی خودشان هستند. سیاست‌های کلان، سیاست‌های آموزش عالی و جامعه همه در بی‌کیفیتی دانشگاه‌ها سهم دارند.

آیا اصلاً در جامعه تقاضا برای متخصصان دانشگاهی ما هست یا فقط مدرک را مطالبه می‌کنند؟ آیا آموزش و پرورش نقش خود را در دست انجام داده که من دانشجویان با انگیزه یا بی‌انگیزه دارم؟ تقلیل‌گرایی این بی‌کیفیتی دانشگاه‌ها به یک بخش یعنی خود دانشگاه‌ها، مشکلی را حل نمی‌کند.

سیاست‌زدگی، عدم توجه به خود دانش و تخصص و اصلاً نبود اعتقاد به دانش در بسیاری از بخش‌ها، دلیل بی کیفیتی دانشگاه‌های مااست. وقتی یکی مدیر حتی حاضر نیست نظر کارشناسی را گوش دهد، دانشگاه چه کند؟ ما بارها برای حل مشکلات دستگام‌ها پروژه پژوهشی ارائه داده‌ام و در کنار بسیاری به یکدیگرسگر آخر تفهیمیدم که پروژه چه شد! دانشگاه گاهی برای حل مسائل وارد می‌شود ولی کسی استقبال نمی‌کند. من نباید به دنبال مسئولان باشم، آنها باید پشت در دانشگاه صف بکشند. ولی کسی نیست، ما هم که دعوتشان می‌کنیم، حضور پیدا نمی‌کنند. من بارها به دانشجویان دکتری خودم می‌گویم که برای رساله فارغ‌التحصیلی‌شتان با مراکز اجرایی قرارداد ببندند و بودجه‌های خودی بگیرند که یکی از منابع خوب درآمدهای دانشگاه به جای مدرک دادن هم محسوب می‌شوند. می‌گویند کسی به ما پروژه پژوهشی نمی‌دهد. بسیاری دستگام‌ها، خودشان به صورت غیرقانونی گروه‌های دارند که

*دانشگاه‌ها تاوان ارزش‌گذاری‌های غلط جامعه را می‌دهند و بسیاری از رشته‌ها به دلیل نداشتن پرستیز اجتماعی از اقبال کمتری در دانشگاه‌ها برخور دارند

***توسعه بی‌رویه دانشگاه‌های خودگردان و تمرکز صرف بر در آمدزایی، از آفت‌های این دانشگاه‌هاست**

***دانشگاه‌ها باید طبقه‌بندی و بر اساس ما موریتی که برای**

آنان تعریف می‌شود، دانشجو پذیرش کنند

***به دلیل بروکر اسنی‌های پیچیده، دانشگاه‌ها توان تطبیق**

با تغییرات جامعه را ندارند و هر روز شکاف بین جامعه و دانشگاه بیشتر می‌شود

برایشان کارهای پژوهشی انجام می‌دهند. این یعنی فساد به این بخش هم سرایت کرده است. در این شرایط دانشجوی دکتری ما سرگردان این دستگاه و آن دستگاه است و کسی با او قرارداد نمی‌دهند. در حالی که بر اساس مصوبات کمیسیون دیپلماسی اجرایی باید با دانشگاه‌ها کار کنند ولی مسئولی در این زمینه آماری ارائه نمی‌کند.

این انتقاد هم تا سوی دستگاه‌های اجرایی به دانشگاه‌ها مطرح می‌شود که فعلاً دانشجویان مهارت لازم را برای انجام پروژه‌ها ندارند.

بله این انتقاد تا حدودی وارد است و البته دانشگاه‌ها هم ممکن است از لحاظ دانش و طرح‌های تحقیقاتی ضعف‌هایی هم داشته باشند، اما بخش زیادی از پروژه‌های ما زیر نظر استادان خود انجام می‌شود که اگر بخش این استادان هم وارد آید است، پس آن مدیر از این استاد متخصص اساس مصوبات کمیسیون دیپلماسی اجرایی باید با دانشگاه‌ها کار کنند ولی مسئولی در این زمینه آماری ارائه نمی‌کند.

وقتی همه چیز حمرانه می‌شوند و به دانشگاه‌ها اعتماد نیست، فضای کار نیست، چرا فقط دانشگاه‌ها را نقد می‌کنید؟ وگرنه دانشگاه، همیشه زودتر از دیگران خود را نقد کرده است. این رویه استاد و دانشجویست که به دلیل نداشتن تعلقات سیاسی و اقتصادی، نیاز نیست مراعات خیلی چیزها را در نظر داشته باشند و بهتر از همه، معایب را مطرح می‌کند.

گفتگو از: سمیه میرزایی